



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2406 – Student Glossary – UNIT 2406

Unit No: 2406 **Tags:** American Language Course, UNIT 2406, Glossary

Prevent (v.)	جلو گیری کردن	Saturate	اشباع کردن، آغشته کردن، خیس شدن
Prevention (n.)	جلو گیری	Hangar	آشیانه هواپیما
Lives (n.)	زندگی ها (جمع کلمه life به معنی جان، زندگی، حیات)	Flammable	قابل اشتعال
As well as	به علاوه، اضافه بر، همچنین	Ignite (v.)	افروختن، آتش زدن
Think over	مورد تفکر قرار دادن، اندیشیدن به	Soak	[کاملاً] خیس کردن، خیساندن، تلیت کردن (نان در آب یا شیر و...)
Tear down	از هم گسستن، باز کردن (دستگاه)	Store (v.)	ذخیره کردن، انبار کردن
Unit	دستگاه	Workshop	کارگاه
Disassemble	دمونتاژ کردن، از هم باز کردن (دستگاه)	Assign (v.)	تعیین کردن، تخصیص دادن، گماشتن، موظف نمودن
Take apart	دمونتاژ کردن، از هم باز کردن (دستگاه)	Dismount = disassemble	باز کردن (ماشین آلات)، اوراق کردن
Precaution	احتیاط، اقدام احتیاطی، مراقبت	Take off	کندن، از هم باز کردن (ماشین آلات و اوراق کردن آنها)
Exercise (v.)	اعمال کردن، به کار گرفتن، به کار بستن	Remount (v.)	سوار کردن، در جای خود قرار دادن
Possibility	امکان	Put on	سوار کردن، در جای خود قرار دادن
Explosion	انفجار	Inflate (v.)	باد کردن (تایر، بادکنک و...)
Breakage (n.)	شکست، شکستن	Nitrogen bottle	کپسول نیتروژن
Extinguish (v.)	خاموش کردن (آتش)، اطفاء حریق کردن	Nearby (adv.)	در اطراف، دور و بر، نزدیک
Fire extinguisher	[کپسول] آتش نشانی	Explosion	انفجار
But	فقط	Struck (v.)	گذشته و اسم مفعول فعل strike به معنی زدن، ضربه زدن، کوفتن، کوبیدن
Housekeeping	خانه داری، رسیدگی به امور منزل، اداره، هتل و...	Shock (n.)	شوکه، حالتی که در آن فرد (مصدوم) رنگ پریده و با نفسهای تند کوتاه و ضربان قلب ضعیف مواجه می شود.
Dispose of	خلاص شدن از، رها شدن از	Go into shock	به حالت شوکه رفتن
Waste	آشغال، زباله	Cause (n.)	دلیل، علت، سبب
Trash	آشغال، زباله	Determine (v.)	تعیین کردن، مشخص شدن
Put away	دور انداختن	Pale	رنگ پریده
Unused (adj)	بلا استفاده، بدون کاربرد	Pulse	ضربان (قلب)
Ally (v.)	متحد بودن، مرتبط بودن	Shallow	کم عمق، ضعیف، خفیف، کوتاه
Apply	مربوط شدن، ارتباط پیدا کردن	Severe	شدید، سخت
Yet (adv.)	هم اکنون، تا کنون	Cause (v.)	سبب شدن، منجر شدن، منتهی شدن
Oily (adj.)	روغنی، چرب	Follow	تبعیت کردن، اطاعت کردن، پیروی کردن، دنبال کردن
Rag	دستمال، پارچه کهنه، دستمال نظیف	Lack	کمبود، فقدان
Accumulate	انباشتن، جمع شدن	Inadequate	ناکافی، کم، نابسند
Open	باز، فضای باز، در باز	Supervision	نظارت، سرپرستی
Pile	توده، انباشته، کُپه	Failure	کمبود، نقصان، فقدان، قصور، کوتاهی
Legal	قانونی		
Illegal	غیر قانونی		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2406 – Student Glossary – UNIT 2406

Unit No: 2406

Tags: American Language Course, UNIT 2406, Glossary

To be supposed to	قرار بودن	Injury	زخم، آسیب
What job were the three men supposed to do?	آن سه نفر چه کاری قرار بود بکنند؟	Suffer	رنج بردن، کشیدن، متحمل شدن
Hazard (n.)	خطر، مخاطره، ریسک	Crash	افتادن، سقوط کردن
Into	داخل، به سمت درون	Helmet	کلاه ایمنی
Propeller	پروانه هواپیما (یا کشتی)، ملخ هواپیما، پیشران	Crash helmet	کلاه ایمنی
Cautious (adj.)	محتاط، مراقب	Disregard	اهمیت ندادن، اعتنا نکردن، در نظر نگرفتن
Around (adv)	در، در داخل	Obey	اطاعت کردن، پیروی کردن
Yet (Conj.)	(حرف ربط) با این وجود، در عین حال	Ending	پایان، ته، آخر، عاقبت
Intake	درونکش، درونکش گاه	Welfare	رفاه، آسایش، سلامت
Exhaust	آگزوز، خروجی دود	To learn the hard way	با سختی و زحمت و هزینه زیاد چیزی را یاد گرفتن، درس عبرت گرفتن
Duct	کانال، راه، دالان، معبر	Mention	ذکر کردن، گفتن
Expel	بیرون کردن، اخراج کردن	Fatal	مرگبار، کشنده
Tail pipe	لوله آگزوز، دودکش اتومبیل	Deadly (adj)	مرگبار، کشنده
Cockpit	کابین خلبان	Vicinity	مجاورت، همسایگی، نزدیکی
Throttle	ساسات خودرو، خفه کن	In the vicinity of	در مجاورت، در نزدیکی
Selector	انتخاب کننده، انتخابگر	Safety belt	کمربند ایمنی
Release	آزاد کردن، رها کردن	Seat belt	کمربند ایمنی
Motor scooter	موتور سیکلت (با چرخهای کوچک شبیه اسکوتر)	Two-way	(جاده، خیابان) دو طرفه
En route	در مسیر، در راه رفتن به	Traffic	عبور و مرور، رفت و آمد، ارسال و دریافت (داده‌های اینترنت)
Proceed	ادامه دادن، پیش رفتن، جلو رفتن	Ahead	جلو، در جلو
Path	مسیر، راه	Two-way traffic ahead.	جاده دو طرفه می‌شود.
Side	فرعی، غیر اصلی	Authorize	اجازه دادن، مجوز داشتن
In front of	در جلوی، پیشاپیش	Case	مورد، حالت، زمان
In advance of	در جلوی، پیشاپیش	In case of	در هنگام، در صورت
Rear	پشت، عقب	Alert	اعلام خطر، هشدار، آژیر
Signal (v.)	علامت دادن، چراغ خطر زدن	Proceed	پیش رفتن، به سمت چیزی رفتن
Make a turn	دور زدن	Shelter	پناهگاه
Thereby	بدینوسیله، بدین ترتیب	Range = Firing range	میدان تیر
Collision	تصادم، برخورد	Keep out	وارد نشدن، خارج ماندن
Overturn	واژگون شدن، چپه شدن	Asterisk sign	علامت ستاره در تایپ (*)
Onto (Prep.)	بر، بر روی، روی	Fry	سرخ کردن غذا
Roadway	سواره رو، خیابان	Pan	تاوه، ماهی تاوه
Land	افتادن، فرود آمدن		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2406 – Student Glossary – UNIT 2406

Unit No: 2406

Tags: American Language Course, UNIT 2406, Glossary

To jump out of a frying pan into the fire از چاله به چاه افتادن، گرفتار وضعیت بدتر از قبلی شدن

Link حلقه زنجیر

A chain is no stronger than its weakest link. استحکام زنجیر به اندازه ضعیف ترین حلقه آن است.

If you know the value of money, go and try to borrow some. اگر قدر و ارزش پول را می دانی، برو و قدری پول قرض کن.

Servant نوکر، غلام

Master ارباب، رئیس، سرور

Money is a good servant but a bad master. خوبه که پول بنده آدم باشه نه اینکه آدم بنده پول باشه.

Cure درمان، معالجه، مداوا

Watch out مواظب بودن، دقت کردن

Use precaution احتیاط کردن

Spill ریختن (آب، مایعات) بر روی چیزی بطور ناخواسته

Dispose of دور ریختن، خلاص شدن از

Slip سر خوردن، لیز خوردن

On account of به خاطر، به دلیل

Cut (v.) بریدن (دست و پا با تیزی)

Bruise (v.) کوفته و کبود شدن (بدن)

Trip لغزیدن و افتادن، سکندری رفتن، تعادل خود را از دست دادن

Yet تا کنون، تا حالا

That is, یعنی، به عبارت دیگر

That is to say, یعنی، به عبارت دیگر

Closed بسته، در بسته

This is why / That is why به همین دلیل، به همین علت

Strip بانده، نوار، باریکه

Landing strip باند فرود هواپیما

Flight line بخشی از فرودگاه که در آن هواپیماها را پارک یا تعمیر می کنند، تعمیرگاه هواپیما

Airstrip باند فرودگاه، باند پرواز

At a time هر دفعه، هر مرحله، هر بار